

## شهر خوب یافتنی نیست، ساختنی است

به کوشش: علی قاسم پور

جنب تریمال مسافری، گلخانه‌های احداث کرده و گل‌ها و گیاهان با کیفیت عالی و قیمت مناسب به شهروندان ارائه می‌دهد؛ اما هنوز برای شهر کازرون کم است و نیاز به مکان‌های بیشتری داریم.

**کار جالبی از شما دیدیم و برایم سؤال پیش آمد، جریان این بشکتهایی که آب در آن ذخیره کرده‌اید چیست؟ آیا برای اینکه آب شهری کلر دارد، آنها را ذخیره کرده‌اید که کلر آنها به گیاهان آسیب نرساند؟**

خیر، این‌ها اصلاً آب‌لوله‌کشی نیستند، این‌ها هدیه آسمان‌اند. یک موهبت الهی که متأسفانه ما هنوز قدرش را نمی‌دانیم. در قدیم آب‌انبارهایی بود که آب‌انبار را برای ماه‌ها نگهداری می‌کرد و مردم از آن استفاده می‌کردند. من با کمترین امکانات موجود، این کار را انجام می‌دهم و بشکتهای ۲۰ لیتری را زیر ناودان قرار داده و پر می‌کنم و سپس آب را به ظروف بزرگ‌تری منتقل می‌کنم و تا مدت‌ها برای آبیاری گیاهان از آنها استفاده می‌کنم. یک کار جالب که مردم با هر امکاناتی که دارند می‌توانند انجام دهند.

**واقعاً از ایده شما لذت بردم. ای کاش این حرکت شما در امر ذخیره آب باران، تلنگری باشد برای مسئولین امر و اذهان خفته که می‌توانند بیشتر و بهتر در واحدهای عملیاتی-نه کارگروهی و جلسه‌ای بدون هیچ خروجی که نهایتاً ختم جلسه فقط با گرفتن چند عکس یادگاری است- از این طرح استفاده کنند. به امید آن روز. چه پیامی برای مسئولین دارید؟**

مسئولین هم به‌نوبه خود و در حیطه اختیاراتشان، با مردم و علاقه‌مندان همکاری تنگاتنگ انجام دهند، شاید نهادهای مربوطه بتوانند با کاشتن درختانی که نیاز کمتری به آب دارند و سایه‌افکن هستند، در امر زیباسازی و سبز نمودن شهر از تمام پتانسیل‌های مردمی هم استفاده کنند. در همین‌جا از مسئولین منابع طبیعی و شهرداری به خاطر همکاری‌شان کمال قدردانی و تشکر دارم؛ و آخرین جمله؛ جناب قاسم پور واقعاً از شما ممنونم که نهضت سبز و فرهنگ‌سازی دوستی با طبیعت و درخت، در کازرون را کلید زده‌اید.

است، معمولاً قورت داده می‌شود. **در میان گل‌ها و گیاهان شما، من نهال کنار هم مشاهده کردم، ماجرا چیست؟**

من نهال‌های کنار و برخی از گونه‌های جنگلی مانند بلوط را از منابع طبیعی تحویل می‌گیرم و چون علاقه بسیار زیادی به طبیعت گردی و کوهنوردی دارم، آنها را در جاهای مختلف می‌کارم و فکر می‌کنم اگر هر فردی چنین کاری انجام دهد، بهترین روش مقابله با بیابان‌زایی و خشکسالی را انجام داده‌ایم.

**بسیار عالی، لطفاً یک پیام به مردم خوب شهرمان بدهید.** هر ایرانی در طول زندگی خود در کوچه و یا خیابان محل زندگی خودش یک درخت یا گل بکارد، شهر که هیچ، تمام دنیا گلستان می‌شود.

**از طرح شهروندان گل اطلاع داشتید؟** نظراتان را در خصوص این طرح بفرمایید.

بسیار عالی است. اگر رقابت درختکاری مثل رقابت اقتصادی ما نباشد، ما هیچ مشکل کم‌آبی و گرما هم نخواهیم داشت. البته مشکلی که در این زمینه وجود دارد اینکه مردم به گل و گیاه علاقه دارند اما قیمت و هزینه نگهداری گل بسیار بالاست. ای کاش مراکز بود که گل و گیاه را با حداقل قیمت در اختیار مردم قرار می‌داد تا همه مردم بتوانند با هر درآمدی که دارند در زیباسازی شهر سهمی داشته باشند.

**در گزارش‌های قبلی شهروندان گل به سراغ آقای شاملی مدیر هنرستان شریعتی رفتم که اقدام به تکثیر و پرورش و عرضه نهال می‌نماید و علاوه بر اینکه نمونه‌های بسیار متنوع و جالبی را پرورش می‌دهد، قیمت‌های مناسبی نیز داشت و با توجه به اینکه این گل‌ها و گیاهان، تکثیر شده در آب‌وهوای کازرون هستند، نسبت به گل‌های وارداتی، کمتر در معرض آسیب و خطر خشک شدن هستند و مناسب‌تر و مقاوم‌تر برای کازرون هستند.**

من هم حرف شما را تأیید می‌کنم، حتی یک آموزش‌کار بازنشسته به نام آقای مرتضوی را به حضورتان معرفی می‌کنم که در باقرآباد،

برای کاشت درختی بیل و کلنگ به دست بگیرم و خودش این کار را انجام می‌دهد. از همین‌جا دستش را می‌بوسم و از او کمال تشکر و قدردانی را دارم.

**آیا از گل‌های شما سرقت انجام شده یا تخریب باغچه صورت گرفته است؟**

خیر، مردم این منطقه و این کوچه و در کل، مردم شریف کازرون انسان‌های با فرهنگ و با اصالتی هستند. حتی برای برداشت میوه کاکتوس جلوی در زنگ منزل را می‌زنند و اجازه می‌گیرند. یک خاطره خیلی خوب برای‌تان بگویم؛ یک‌بار کاغذی تا شده لای در گذاشته بودند که برایم بسیار جالب بود. روی کاغذ نوشته شده بود: «همشهری عزیز، من به میوه این کاکتوس نیاز دارم، زنگ منزل‌تان را زدم تشریف نداشتید که کسب اجازه کنم. با اجازه، چند عدد میوه کاکتوس جهت مصرف دارویی برمی‌دارم، لطفاً حلال کنید.» حتی تلفن و نامش را در کاغذ برایم نوشته بود. ببینید، این‌ها مردم کازرون هستند با این فرهنگ بالا.

**لطفاً در مورد میوه کاکتوس بیشتر توضیح دهید.**

پدر و مادر من، هر دو بیمارند، پدر مشکل دیابت دارد. این کاکتوس که اپونیای انجیری نام دارد و محل رویش آن اگر اشتباه نکنم آمریکای جنوبی است، میوه‌ای دارد با خاصیت بسیار زیاد. مصرف میوه این گیاه جهت کاهش قند خون برای بیماران دیابتی بسیار مفید است، حتی در تحقیقات دیگری که انجام دادم، خوردن این گیاه برای درمان یبوست و برخی بیماری‌های گوارشی نیز بسیار تأثیر گذار است. **نحوه مصرف این گیاه دارویی با توجه به تجربه‌ای که کسب کرده‌اید چگونه است؟**

در بدنه این میوه، خارهایی وجود دارد که معمولاً برای جدا کردن آنها از چاقو استفاده می‌کنند که من این کار را با اسکاچ زبر انجام می‌دهم. زمانی که خاره‌ها را از بین بردیم، پوست میوه را می‌کنیم و قسمت داخلی میوه که شامل گوشت و هسته است باید مصرف شود. خوردن گوشت میوه که کار آسانی است، اما هسته این میوه که دارای مقادیر بسیار زیادی آنتی‌اکسیدان است، به دلیل وجود پوسته‌ای محکم و سفت، خوردن آن بسیار مشکل است و چون غیرقابل جویدن

برحسب اتفاق مسیرم به خیابان نرگس افتاد و یک کوچه نظرم را جلب کرد. باغچه‌هایی که همه سنگچین بودند. به سراغ منزلی رفتم که باغچه‌اش از همه بزرگ‌تر بود. وقتی که در زدم و صاحب‌خانه را دیدم، برای من یک چهره آشنا و شناخته شده بود، اما...

**لطفاً خودتان را برای همشهریان و مخاطبان هفته‌نامه طلوع جنوب معرفی کنید.**

حمیدرضا شکوه متولد ۱۳۵۸ و اصالتاً کازرونی هستم.

**از چه زمانی به گل و گیاه علاقه‌مند شدید؟** گل و گیاه همیشه در منزل ما بوده و عشق و علاقه به گیاهان به گونه‌ای در خون ما عجین شده است.

**تکنه جالبی که نظر مرا جلب کرد، باغچه با دیوارهای سنگچین بود. ایده این سنگچینی از کجا به ذهن شما رسید؟** یک روز در بازدید از شهر تاریخی بیشاپور، وقتی دیوارهای سنگچین شده را می‌دیدم، ناگهان این طرح به ذهنم خطور کرد و به یاری خدا توانستم انجامش دهم.

**شما در میان گل‌دان‌هایتان، تعداد زیادی کاکتوس دارید. مثل اینکه به کاکتوس علاقه بیشتری دارید.**

اصلاً، همه دوستانم به شوخی به من پدر کاکتوس می‌گویند و من این شوخی را جدی گرفتم، چون کاکتوس گیاهی است مقاوم، سازگار و نیاز کمتری به آب دارد.

**روزی که این کار را انجام دادید، برخورد همسایگان و اهالی محل با شما چطور بود؟**

بسیار عالی، حتی تصورم را هم نمی‌کردم. واقعاً همه همسایه‌ها هم تشویق کردند، هم کمک کردند و خودشان نیز مشابه این کار را جلوی منازلشان انجام دادند. در این راه، همه خوب بودند و یاری‌رسان. خصوصاً حاج شاکر محمدی راننده بازنشسته اورژانس که سنگ تمام گذاشت. من بر اثر یک سانحه تصادف دچار شکستگی دو پا و یک دست شدم و رسیدگی به این گل‌ها برایم غیرممکن و سخت بود. ۱۲۰ روز خانه‌نشینی، اما حاج شاکر محمدی عزیز در این مدت از تمام گل‌ها نگهداری کرد و اجازه نمی‌دهد که من دیگر

